

اعمال مجلس شورای اسلامی من باب برقراری سیام
 آئینه نموده که حق دولت سیام است که انتخابات
 در آن خود بلیغی
 بقصد امداد و برکات کبیرین فیصله مسودا داده و دولت مجلس
 قسطنطنیه نموده ولی به سبب رسدنا اعلان رعایت خود را
 ننموده و منتظر است که بسته اخبارات کبیرین کلام
 معلوم شود و بعد از آن افسانه رعایت خود را به
 بیعت و چهارم دقیقه در کنگره اخبار است که
 که دولت آلمان در مذاکره با آفریقا راه آفریقا
 شده است و نیز آلمان سید که گناه آفرین دار السلام تا
 در بی بی را درگیر کرده و مورد ستیاف آن به به تمبر راه
 آفرین دار آفرین را به در دست
 اخبار است که هر سگی که او را در سبیل رود که
 ساقین راه آفرین کپ تا به بر می آید و او که دولت است
 و نیز آفرین را آفرین تا کنگره آفرین است که این خیال نیست
 قداس است که در روز شنبه در کنگره آفرین آفرین آفرین
 در آن آفرین آفرین آفرین من باب بیعت و اتفاق
 مساله مسودا نموده اند
 حکومت که چون از طرف دولت آلمان میسر کرده
 کرده و دانات آفرین که چون آفرین آفرین آفرین
 اخبار نهایت شرات را نموده اند وزارت اعظم
 در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 بیست و نهم دقیقه در کنگره آفرین آفرین آفرین
 که در مسوا که در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین
 ساختن راه آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 اخبار و بی بی آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 که بواسطه بعضی اراضی آفرین آفرین آفرین آفرین
 خوش آب برای خواهد گذارد
 حکومت که من باب از یاد وقت بحمدی خود
 به من خیال است که هر سال هزار نفر از بی بی آفرین آفرین
 در کاس و سبک با در چهارات جنگی مشق جنگ بحری
 در تا وقت ضرورت بکار آید
 من باب بیعت و اتفاق در آن آفرین آفرین آفرین
 خصوصاً بی بی آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین

از او گرفته سبب بارگوس که حکام در آن در آن
 سال منتهی را نموده اظهار داشت که در آن منتهی
 قانی خود را با او هم بارگوس منتهی مان کرده و
 آن عنوان حالات بارگوس منتهی ظاهر شود
(اخبارات صفریه)
 اسال در بندهش دولت آفرین آفرین آفرین آفرین
 که بیعت و اتفاق در آن آفرین آفرین آفرین آفرین
 قسطنطنیه که در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین
 من کان یک فنذی از جانب دولت علیه شانه
 در روز اول جنرال فرانسو زکی بخیر
 نامتوی پاشا والی مدینه بغداد نهایت آفرین است
 ریاست و اتفاق از روز ملک داری است
 و سابق برین سینه در عراق آفرین آفرین آفرین آفرین
 عراق نهایت خود است که کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین
 عراقی عرب زمان آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 ملکی بشود و نامتوی پاشا فیضیه اتحاد اسلامیان نهایت
 از دانات و داد علم دوست است
 بقول اخبارات آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 شده است آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 ۸۹۱ از یاد است و هر روز جمع کثیری آفرین
 تلف می شوند
 در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 چون مسایر سده ایان از نهایت جری و خون خوار
 و کشته بیعت می کند که بعضی خون ریز بهانه شود
 از یک ماه می شده است آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 بیست و نه نفر آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 بیست و پنج نفر آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 دیگر پنجاه و دو است بهنگاه و بیعت آفرین آفرین آفرین
 جنگ سپای و طیاران هم شامل این عد است
 در شاه جهان پر که در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین
 برامه کالیسیا حال کرده و بعد از آن کنگره آفرین آفرین آفرین
 این سخن جمعه از شصت هزار تن و از است
 امید است که این مجلس آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 است و در آن آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 من باب بیعت و اتفاق در آن آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین

که قانونا او که در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 عمل خواهد شد و در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 زیادتی که در آن صاحب خواهد نمود و هر ساکت سبب
 بجهت انصافی و نهایت شانه و منتهی آفرین آفرین آفرین
 شده و در آن منتهی است که کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین
 که در آن صاحب خواهد نمود و هر ساکت سبب
(مجلس)
 این بیعت و اتفاق در آن آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 اگر در بیعت با آن که شصت و شصت و شصت و شصت و شصت
 بیعت و اتفاق در آن آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 پنجاه و چهار و صد و سی اتفاق طاعون بود و در آن
 بیعت و اتفاق در آن آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 سبب از این است که شصت این ایام طاعون خفیه بود
(کراچی)
 اسال در کراچی ایام در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 حال که در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 چهل و شصت کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 است و در آن کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 نموده که این ایام حکام هستند زیاد و بر سابق عمل
 قسطنطنیه آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 قسطنطنیه که در آن در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 رسیده بعضی جا باشد یا است بعضی مقامات خفیه
 در یکی از چهارات پرست که از بی بی فارم طاعون آفرین
 در بین راه و در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 مذکور بر سه ای ایران در کنگره آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 قسطنطنیه به به
(کلکتا)
 بقول داکتر با کلکتا هم مرض طاعون در آن آفرین آفرین
 سبب که در آن آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین آفرین
 زیاد نیست و اکثر ای کلکتا هر روز نام تازه موسی در آن
 میگردد و در حقیقت خودشان نه خفیه اند کلکتا
 از اطاعون نیست شام خفیه طاعون منتهی اطراف ای
 ترشح با آن شده این ایام کلکتا نهایت گرم ایوم
 میگردد ۲۴ نفر در طاعون شده و ۲۲ نفر تلف

اخلاق سلطانی

اگر ما سن را بتهه - میگردد بشههور است که دروغ
 دست چهار شصت ماهی حاصل میکند موجب
 بالست که راست از کعبه سال هم وجود عارضی گرفته
 ترکان رنگهای خود که در نیند و تبهها دارند
 کسکی گوش بند که هر یک دوی بند که قوالت بر چشم
 خود در راه پهل (برین) او کار کردن او را برت
 این چهار انگه ما نشان را که که در دم کجولی میبندند در
 انگه آشنی عبادت و نیز انرا نیند و داشت
 سنیانی مندی بیستین پنج نفر انرا نیند که کوی دوست
 و خود و مواجب بینه از دولت حاصل میگردد و بیک
 او در اسلامبول متوقف بود تا آنکه هم در پیش
 سلطان ارانستان است با دروغهای عثمانی که در
 خارجه ما موریشوند انرا ارانستان او بنیالکیم یونانی بنیالک
 و متمول ترین رعایای عثمانی ارانستان یونانی اندیفر
 بکن دولت عثمانی (ارستانگی بی) یونانی بود
 در تمام دولت خود را با این همه رعایا سلطانی
 بدولت یونان بخشید - با این همه همیشه گوش بر سر
 که عیسایه نظر انان که در مالک عثمانی سه قطعه نروزی
 دارند وزیر با ظلم عثمانیها فریادشان از شر آتش بر آید
 - (دو عجباه) سزاید که دست که رئیس بانک
 عثمانی بود و اینکه استعفی شده و ایوقت بار و پا آمد
 است روزی من اظهار داشت که تا من در اسلامبول
 بودم وطن اصلی خود که انگلستان است از روی مسکرم
 ولی بکن دار که اردون اسلامبول یک او را در صده
 و اسف دارد و آن آنادی مطلقا بود که من در کمال
 عثمانی دهم
 یکی از اقلط مشهوره که در اروپا شهرتی کمال دارد
 این است که المصرت سلطان عبدالعید خان غازی
 تکران قلعه و دست بسیارند این در افرازش نیک
 که محتسب دارانکاران اخبارات فرنگی ان
 ترکی میدند و هیچ یک از آنها در خانه روسا و غیرت
 نیکه راه ندارند و روزها محبت ترکی هم را که ختالا
 خود را درین خصوص از بازنده اوکده و میدهند عبادت

ادویا از کجا دانسته اند که المصرت سلطان عبدالعید
 خان غازی مقبول خاطر ترکان نیش - البته از روی
 دارانند نظریان شام شنیده اند و قول آنها را
 ابد اعتباری نیست من بسیاری از غنونا نیند
 مطلع میشم که وقایع نگاران اخبارات بجهت بنام
 نمودن و دولت شمالی جعل نموده اند و اکثر کس
 بار تبه - میگردد روزی از دولت خود دست
 افندی بر رسیدم که بچه که نه اطلاع بر آرای سلطان
 نیست سلطان عبدالعید خان باید حاصل نمود -
 جواب او که اینکه در وجود سلاطین سالف در ترکی
 قیام داشته میبند که این آقای مرم و ولی هم حقیقی
 اینی سلطان عبدالعید خان بچه در وجه مقبول قایل
 عازر رعایای خود است ولی قول من تنها گفتا
 از برای تحقیق شما میبکند خوب است خود بجهت
 بنمایید بجهت حصول این نتیجه بر تبه است که شاد
 یکی از روزهای جمعه در هر یک مساجد اسلامبول که
 بخوابید بروید و گوش بده که با کدام افضل
 ذات جایون سلطانی را دعا میدهند و چه قدر دعا
 برای دعا شریک جماعت میشوند معاندین اسلام و
 سلطنت ترکی هر چه میخواهند گویند و انشدان
 و واقف کاران بخوبی میداند که سلطان ما در لهما
 رعایای اسلامی خود عزیزتر از فرزند ان آنها
 پیشند - و از آخر عهد سلطان عبدالعزیز خان ترک
 مردم در نماز جمعه برای شرکت در دعای او نرفته
 و یک هفته قبل از غول او بکلی مردم در نماز جمعه
 نرفته
 سلطان عبدالعزیز در انالی مغرب شهرش
 بیش شد ولی در حقیقت معاملات سلطنت را فرآ
 کرده بود این امر موجب نرفت اسلامیان از او
 ستا شد قیام نسبت انالی مغرب مو آرا و قیام
 و با انصاف قادر تر بر نیز نیک به سلطانیکه نیک
 و معاهدات ملکی مصروف مشغول شد ترکان بیشتر
 دوست بسیارند و این شیوه در نتیجه سلطان عبدالعزیز
 خان غازی است
 نظریان میگردد و سلطان عبدالعید خان تمام ترکان

معاملات سلطنتی را بکف کفایت دست خود گرفتند
 و برین سبب اختلافات بسیار دارند ولی نمیدانند
 که این عمل راجع شخص سلطان است هیچ غفلت آنها
 ندارد گذشته بر سفاک و دیگره مسیبن عمل است سلطنت
 عبدالعید خان غازی را زیاد و مقبول و عزیز دلها
 ترکان کرده است ولی از یکدیگر یعنی در وقت افندی
 میگردد که شاد یعنی به او اکثر اناس بار تبه است
 و یقین خود مسجد بروید و بجهت حاصل بنام
 اکثر اناس بار تبه میگردد که در ایام قیام خود با سلطنت
 هر چند ماه یک مرتبه یکی از مساجد اسلامبول بیشتر
 در هر مسجد هجوم و از دعای خلیق را میدهم و از زبان
 هر کس آواز بلند (اللهم احضر السلطان ایامی) میگویند
 و یقین حاصل کردم که شهرت عدم رعایت ترکان از
 سلطان نیز یکی از شراره های ریکک و تهمتهای بیسید
 دجون است که نظریان مغرب تراشیده اند

ایاق و اردو (رای یکی از مبصرین)

دولت ایران سیانه دور قیام قوی جنگ سینی
 در وضع و چاراست و روابط سیاسی و تجاری ایران
 بدولتین مشا را الیها اشارت دول پیش است و بواسطه
 هسایه بودن این دولت هر روز مورد یک است
 آتفه میشود و در وقت یک اقم که بر این قضایه و یک
 نوع رسوخ خود را در ایران زیاد و میباید وضع خود را
 روشن بنهانه اگر من رقیب دولت انگلس میباشم
 نباید دولت انگلس قوت رسوخ خود را زیاد کند و انگلس
 با این سبب است که میگردد رسوخ و قوت روس نایه
 زیاد شود از آن طرف روس تدبیری رسوخ خود را
 پیش کرده دولت انگلس قوی ایران میشود که بواسطه
 رقابت و روس قوت و رسوخ مان باید برابر باشد
 او نیز پیش می آید با انانسه بهین که با روسی و اسم
 رقابت که کم این از همه رسیده تا میباید فارس تمام
 بلوچستان بر تهمه قوت او تمام رسوخ خرترا پشت و ان
 هندستان بجهت آورده و هر روز هم بهین هم پیش
 می آید و قوت ایران را از ان طرف میباید بهین اصول این
 دولت محمدان و دولت عثمانی را بعد از یک تباها کرده

تا دو سال قبل که دولت عثمانی ملحق شده از هر دو
بریده به آلمان پیوست اگر دولت ایران نیز ازین دو
بریده به آلمان متحد شود و گویا مصلح افند را با عاهد کرده
وقتی المقدور امتیازات کلی را به روس و انگلیس نهاده
مطم واره دولت فرانس خراب است با ایران با این هم
غیب بوده ولی پرسود که با روس و سر شده در پرده
انچه میکند با روس اتفاق و از نه فخر بیده خواهد
که دولت عثمانی اگر که دوستان قدیم خود آسوده
به ترقیات بزرگ امل خواهد کرد و اگر ایران هم پیش
آید و در سلسله اقتدار دولت عثمانی کند و عقد تساهل
کار با برنده از سلسله دیگران آسوده خواهد ماند

(سیام)

اخبارات انگلیسی میگوید که ترقیات سیام ضعیف
اگر است زیاد و اسباب تحیر این است که بدون هیچ
سلسله منبانی خارجی ترقیات سیام از اول ملک
پیش میزند و سیام در او خود بخود اسباب ترقی
نمودار شده جلوان دولت سیام در میدان واسع
ترقیات از آن وقتی شده که شخص پادشاه در فرنگ
رفته ضمنی ترقیات و تمدن را پیش خود دیده و پادشاه
پیش نفس خود متوجه اصلاحات ملکی است سابقین
ایالات سیام که در گذشته می شده (۱۲۶۰۰۰)
لیره بود در عرض دو سال نیم (۲۰۳۰۰۰۰)
لیره با اندکی هزینه خود را از مالیات ریشه و حقیقت
درین مدت قلیل کمال ترقی را کرده است سابقین
مصارف حصول نمودن این ایالات (۱۸۹۰۰۰۰)
لیره پیشه و درین دو سال نیم مصارف را کم کرده
۱۸۲۰۰۰۰ لیره رسانیده است اگر بخور تامل
کنیم سال ترقی است علاوه برین قوای بجز
و بری خود را بسبب قابلیت خوش زیاد و بر
بودنی داده در صنایع تجارت زراعت هم
ترقی کرده که از سیام امید نمود پادشاه سیام شخصاً
شعبه روز شغول ترقیات ملکی و ملتی است که مای
میگذرد که یکی دو در سه بیست و سه عمده اتفاق نشود
باعتبار آن است غرضی و بسودی از حالات سیام بود
در این ایالات سیام در دو سال و در این ایالات

کرده و قبل از ده سال را چون دیگر در آسیا پیدا
خواهد شد پادشاه سیام را هم پسران خود روس
امینت عمومی دعوت کرده است و حقیقت این
امهم بحسب سیام حال اهمیت را دارد
به کاری که بهت بر کرده و اگر فاری بود که تکرار

(اخبارات)

این ایام اخبارات انگلیسی بجز خود را کرده از
شان معلوم میشود طالب تساهل و اتفاق با دولت
عثمانی میباشد و نکند که میانه ای حضرت سلطان و نیز
انگلیس در یافتی دلیل میگردند بینال استاده و لیتن عثمانی
و انگلیس نهایت میخند بحال دولتین شاربها میباشند
ولی سلسله ستون متوجه هم خیالان او و بعضی اخبار
قی انگلستان بای آشنی و انگه از کرده و قلوب مرکان
از دولت انگلیس که ساخته اند و از دولت عثمانی
با استعاده دولت آلمان که هم رقیب دولت انگلیس
در امورات لازمه عثمانیان میباشد چندان فزونی
باقی نماند که خود نتواند تساهل و دولت انگلیس
عثمانی با دوستی و تساهل با آلمان را مقدم بر دوستی
انگلیس با سینه علاوه برین علت دولت عثمانی
آلمان یکبارگیان با دست دولت انگلیس خواهند داد
با دولت عثمانی تساهل نماید پس همان که دوستی
دولت عثمانی میخند بحال دولت انگلیس بود همان قسم
اتحاد عثمانیها بحسب آلمان نافع است بل اگر دولت
انگلیس چندی در معاملات عثمانی بی طرفی را اختیار کند
و در باطن در خیالات عثمانیان شود ممکن است که باز
موقع بدست انگلیس بیاید تساهل با دولت عثمانی
قوی این است که دولت انگلیس چهاره خواهد بود
با دولت عثمانی بوده ولی در ضمنی مواقع که دولت
رقیب دولت عثمانی را املی تساهل خود میکند دولت
انگلیس بعضی مواضع بشهرت دست دولت عثمانی
با تساهل خود میکند که هم عثمانیها که را ملحق شده خود
کرده و اسلحه مصائب بزرگ که دست بخت او بود
مشخصه از آنست جنگ میان معلوم گویست بیرون
رفته و بیارند و در برین ایام قضا باطل است خود
آلمان هم که در این ایام سیامون انگلیس بگفتند

دو تقی با وزیر عثمان خود کرده که تراز شصت
چون بگدازین راهی که توان دولت عثمانی
املی با تساهل که نیست مالا با بی فروتنی را نهاد
بینال سخی از دانشندان تساهل و دول ضرایب
میخند واقع نخواهد شد و آلمان هم در تساهل
آسیب منافع خود بشا مشمولی و اولی روابط
در سیام عثمانی با انگلیس از پر دول صریح
دولت انگلیس صادق در دوستی و دوستی خود
و شرطی روشی را کار کرده و دستش میخند
مال عثمانی از دول کرده ولی این مسئله اصل
فراخ تساهل عثمانی میخند که دولت انگلیس
پیشده نیست این اصولی که نوشته اند مایه
دولتین عثمانی و انگلیس هشتم

(چین و آلمان)

کسانیکه واقف از اخبار فایده یافت راه حفظ کرد
بجوبی میدانند که دولت آلمان اگر حرکت کرده
کرده است بر امل که چون دولت آلمان در چین
همه کس میدانند که دولت شاربها بهانه آنکه
انگلیسشان او را برای چسب نموده تمام سوخت
تصرف کرده با هم ایستاد نظام کند تا وقتیکه دولت
چین قادر بر حفظ امنیت عمومی شود و تساهل است
خود با تساهل نماید چه رسد که قادر بر حفظ امنیت
صوبه شود تمام دول هم تائید دولت آلمان میکنند
البته اسن تو را حاجی گویم تو را حاجی گویم اگر چه آلمان
ای را اقبضه کرده ولی تمام این امور را قبضه خواهد
در مقام دهم و نیز که حاصل شده و نکند واقع است
یکی از آلمانها زیادتی شده آلمان اراده تصرف
تیمور را نیز داشته و دولت چین کمال خوف دارد که
حکم مقتدی تمام نظامات چین شود اخبار انگلیس
که آلمان صوبه شنه نکند تصرف کرده اسلحه بیکصد
انگلیس و روس را فزائنده خواهد بود دیگر زمان
ملحق شده با از خیالات او بایان و در عهد
ایشان بهر کیف صورت گرفته که هم از تصرف چین
رفت و متوجه آلمان در این ایام سیامون انگلیس

(وقایع و بارش)

جناب خطاب اجل نظام الملک از جان کاران آمد
 محبت و لذت است بینه اوقات مصدره
 میرزا قین وزارت شکر روزان میلاد ایلد و حکومت
 در الحاق فوده اند از کجا خاطر مظهر اقدس ملوک
 اردو احاطه از سر جمعات جناب سلم که نهی و تحفه
 است این اوقات بر حسب تقویم حضرت صدر علی
 بفرماندهای و ایالت مملکت فارس و عظامی یکشنبه
 ترک کشمیری از درجه اول بجات بر حسن جان بقدر سلطنت
 پیشوندت غلته هایونی مقفود میبای آید
 جناب خطاب عالی الدوله امیر تاجان که اقلب اوقات
 بحکومت مایه ساریت در وقت اشتغال بوده اند این ایام
 بیایالت مملکت باز در آن مقفود میبای آید
 میرزا محمد حسین جان بقصد السلطان از جناب میرزا
 وزیر رسائل خاصه مورد احوال کامله شایان آمده باستفای
 مصدر حضرت صدر علی باعطای یکشنبه یکشنبه
 سر معطل و میبای آید
 این اوقات که میرزا السلطان بحکومت بر شهر شرف از
 مالکای مبارک گردیده مورد احوال میبای آید
 صدر علی ریاست حاصل میبای آید که او اعطای یکشنبه
 سرداری از اوضاع خاصه مقفود میبای آید
 مشار الدوله وزیر دارالشوری کبری از جان کاران
 دو انچه از تربیت شده کان همه جایون است
 سوز لطفات شایان آمده بر تقویب مدارت علی
 دستهای وزارت میلاد امیر خارج بینه صیارت
 سفیدی صدر مقفود برقرار گردید
 جناب خطاب عظام الملک امیر تاجان رسالت در
 میلاد امیر خارج از قدیمی جا کران و خدمتگذاران
 با صداقت کاران فوده دولت انصاف در خدمت هم
 است و وزارت خارجه کمال سعادت از سعزی الی الله
 این اوقات بر طایفه علی امور بحکومت کردستان
 اراده علیه بحکومت مملکت کردستان مقفود میبای آید
 میرزا حسن خان صدیق جان بجان امیر آخر سابق از پیشوند
 مصدر جان بجان ملوکانه بر حسب اراده علیه بحکومت
 سوز در زنده مقفود میبای آید

جناب امیر حسن خان غر الملک امیر تاجان
 خاصه هایونی از قدیمی جا کران و دولت
 سلطنت بهر اوقات مصدره است همه بود
 این ایام بر حسب اراده علیه و تقویب مدارت علی
 بحکومت علی مقفود میبای آید
 جناب میرزا البرقع مان مضلله امیر تاجان وزیر
 دارالشوری کبری که سالها در زمان شریف فرانی
 بلصحتت هایونی در مملکت آذربایجان منصب
 شش ماهی کبری اشتغال داشته و بعد از شریف فرانی
 سوکب میروزی کوکب مقفود سلطنت علی فوده اشار
 در خدمت حضرت لایت همه در برقرار فرموده و حکم
 در یکشنبه است و در وقت اشتغال دارند
 چندی بود بر این شرف تاجان مبارک بار الهامه
 بود در این ایام از طرف سی الوان بندگان اقدس
 جان بجان ملوکانه عامل بقصد شمشیر مع کلک الماس
 از درجه اول بجات اقدس بر حسب اراده
 و یکشنبه در وقت ترک کشمیری ششم در وضع
 با حق جناب خطاب اجل امیر نظام و سمت تحریرات
 حضور حضرت لایت همه مقفود میبای آید
 جناب عیال الدوله در افراش باشی هایونی مورد
 شایان آمده باعطای یکشنبه بالهوی فوده از
 خاصه مقفود میبای آید
 جناب امیر بهادر جنگ سردار کسکی باشی حضرت
 کو شایان روز عمر خود را صرف خدمت بدولت کرده
 است مورد احوال کامله هایونی آمده باعطای یکشنبه
 قرب بالهوی تن بر شرف مقفود میبای آید
 پرسش حکم خان که بسیار شایان است مورد چندی
 منزهی بود بسیار شایان امیر گردید
 با کجی سزایه دوازده میون که نصف از یک
 و نصف دیگر از سزایان است اما قریب در طهران
 اعدا شده است
 زیمان مان مغربه و بجهت تقاضای از جانب
 ایران بپاریس فرستاده که بدون شاوره با وزارت
 فرانس اقدام شده کاسیانی حاصل گردیده که با تمام
 این امر که حال از شرف بیرون آمده اند سزایه

این تقاضای بجهت تقاضای معینه و خلیه ایران
 چون کلیه این معینه لازم بود بجهت تقاضای
 بخارجه رود و تقاضای از خارجه است بینه
 که بجهت این تقاضای قرار خواهند داد مستور
 البتة رجال دولت کمال لاطفرا خواهند نمود و مستور
 قرض گرفتن از خارجه هیچ میانمی با مستور بود
 و سزایه از کجی الی الله خیریه ایران از هر جهت
 مطلق است که راه این از طهران آید و از خارجه
 تقیه نماید و اتفاق و یکسانی حکمی بینه
 راه شرفه قزوین بیدان عراق از یکسانی روسی
 موسم بخار شروع خواهد کرد اگر چه تقیه کسکی
 چون مصدر کار خارجه میباش آید تقویب است شایان
 اسباب شرفه کسکی بیدان است که قیازا تقیه این
 خود حاصل نمایند

(اعلان)

جناب محمد السلطان آقا محمد صادق خان ناظم ستایه
 مبارک کفستان از راه معارف شناسی زجت کسکی
 مرکزی جبل المتین را در خطه خراسان قبول فرموده
 اداره را بر زمین امتنان خویش نموده و کالت سزایه
 شاهرد و نظام تربیت - قویان - تربیت جدید
 سیستان - عایشین - بجهت سزایه - شایان
 همه تحت کالت مکرزی سزایان است از ابات
 شاه اول سال ششم رجوع حساب کلای بود و سزایه
 با و کالت مکرزی طهران بجهت شش ماه دوم سال ششم
 تمام کلای سزایه و جوده ابواب جمعی خود را
 و کالت مکرزی سزایان آقا محمد صادق خان ناظم ستایه
 مبارک که بی پروا زنده و سزایان را در ابواب جمعی خود
 رسیده اداره کسکی و کالت مکرزی خراسان را از کسکی
 که در جومات سزایه جمعی و کالت مکرزی خویش را سزایه
 ان سزایه السلام آقا میرزا اسد الله خان تهرانی از کل
 و نقدیه اداره پستخانه در طهران بی پروا زنده
 ایشان قصص الوصول از یافت دارند سزایه
 اداره کلای عظام باید رسیده اداره بقصر
 آقا میرزا اسد الله خان بصرف ملوک کسکیان هم از کل
 قرض خواهند داد و کسکی را در کلای خود سزایه

حکایت معارف

در هیفتمه نموده اول گرامی حیده (معارف) منطبق بر علم
چشم مار روشن نمود این حیده گرامی که صاحب
ایمانش برین معارف است بحث میکند از اصول و قواعد
معارف ایران و کیفیت کار و ادب این معارف و درک
سواد و سوادهای بی را که در باره این معارف معارف
و در حیده میبارد که معارف بخاطر شرافت نقل میباشند
مشغول آن روز نامه مبارکه معارف
اخبار راجعه با سخن معارف
از آنجا که بسزای معارف نظر انوار مدرس معارف
دام سلطانه تربیت انسانی است و سرتی انانی مکتب است
اندامات است که این سخن معارف در این کتاب
یا تا مقصد معارفی چون آورده اند در صورت سادگی
مقبول و سخن افتاده این اوقات یک طرفه از سواد
بیت الملک و زیر علوم و معارف مشرک کمال درستی
مسن توجه بود که نسبت این مجلس محترم شرف صد
یافته است که گفتار و بیجا بویچ میشود

اسو استخاک

بیت الملک و زیر علوم و معارف چون کار بسیار است
و مکتب قلیت و کما حق تعالی بغض خدا و حسن احوالات
و مراقبات شاد و کسبهای سخن معارف بیشتر
کامل حاصل نموده و موجب خورشیدی خاطر ما گردیده
و امید و این نموده روز بروز بهتر و کامل تر شود و از
طرف باید مراقبت و توجه مخصوص در بنای بیوه و حقیقت
بناست این اداره مجلس حق سخن معارفی چون ما است
لحظه شمار که سخن حیده تکلیفی و در تقاضای بی عرض و از
اوضاع حیده و معارف کمالا باطن معارف حیده را جانب
نموده و معارف ما سورت سیدم که کمالا باطن معارف حیده را
کمالا در مقام امر مدرس و مکتب مجلس سخن معارف حفظ
احترام اعضای آن معارف آورده و در پاره ها و عوایض و
مسدایات سخن را که راجع به امر مدرس قلیت و کسبهای
قلم و مسند و سخن است این معارف جانب است که
مدرس اعظم بدون تأخیر بعضی رسا و احکام لازم را
در صلاح برانیده صادر و مجری نماید که کام سخن شاد و

امور است خوزه رسول میدانم لایحه شهر و جلیه

یکم از دشمنان

سیکود هر یک از این ایران امی بریم اگر قانونیک
مطابق شریعت اسلام باشد در ایران جاری شود و
در عینت تحریف خود را دانست یک صد پای بند
و سیکود جدا از آن که در هیچگونه است بر تصدیق
و تحریف و تحریف میکنند این مسئله من شریعت
که شاهنشاهی سیه سال سی را در حسب قانون
داشتند منی و بر سر کوم از فرنگستان آمدند و در
عام خلق دادند که قریب این مضمون بود و مقصود ما
از سیاست و مسافرت فرنگستان همانا کلی معنی بوده
آنچه ممکن شود اسباب قیامت بلکه و قلمه فرنگ
در ایران آورده ملک جمهوری را عایار و فرنگ
نماییم و پس از آنکه زیاد و نیتیم که شاه و معارف
قلمه و بلکه فرنگستان همانا اسب اولی قانون است
در ملک و ملت لهذا اول امری که بر لازم است
حسدی قانون است که اسس و قیامت است
چنانچه چهار نفر در مجال محترم دولت که اول آنها حضرت
صدایت عظمی مدظلها شاهزاده نایب السلطنه و آقای
امین الدوله و در محرم خیر الدوله و شاهزاده محمود به ترتیب
قانون نموده و کتاب قانون هم مرتب شده با مصفا
شاهنشاهی شهبیده هم پس بعد از آن پیش آمد
که جاری گردید از علم مایرون است حالا میفرمایم شرح
قیاس نایم که مانع از حسدی آن قانون نگانند
بسلطانات معتمد سلطنت نموده و منت چه
است آنات ملوکانه بوده و نیز معارف سخن معارف هم
مانع حسدی قانون بچند و همیشه

اول آنکه بدون معصاه شود و معارف تالیس را می

در با پیش نشد
در هم چون بیشتر قانون ایران از قانون عثمانی
گرفته شده بود لایحه از راه سینه فوق همه قوانین
گذارده اند و از راه سینه یکصد معارف را می
بر سر معارف نموده که معارف کمالی پای بند می شود
مانع حسد نشد

سوم شاه و معارف تلمذ و با معارف ملت سینه و سینه
از راه و قصه زیادتی بملت ندارد که قانون مانع
ازین روش و شخص اول ایران مانع حسدی قانون
نموانند

مانع حسدی قانون همانا حکام و در حال کوچک و بزرگ
که معارف برانگیزند و معارف بر عایار معارف
قانون نیستند چه اسباب همه که از آسایش آنها در سایر
است ملایم اعلام هرگز مانع حسدی این شریعت
به مقصد و نشانی آنها ترویج قوانین شرع است
و ریاست ملایم حاکمیت قانون معارف ریاست
نیتند اگر بحسانی هم در علماء و عایار قبل از اجرای
قانون پیدا شود در باطن سلسله قضایی در حال حکام
ولایت است که خلاف مقاصد قانون با مردم سینه
تا آزاد در هرگونه زیادتی باشد اعلی حضرت است
در ستور عظم ایران خستناز فرزندت امور سیکود اظهار
عاریع میشود دارند و اسطعمه قانون هرگز در نظر
که سینه بر عایار میکنند ذات معتمد سلطنت با
الیه است که حکامت نیز در استان نیز باید که فرانس
یا نایب شهر و بلدی عینا معارف عایار میسپاره که خبزه
قلی نعتت از دولت معارف خود عینا معارف کمالا
دوای این در و نایبی در مان قانون است که
گروه آزادی خود بگیرد و در مانع آن سینه است
بود و تحقیق در معارف سینه ابوزرانی و قلیت
اخبارات فارسی که کرده از روی در دیپلماتی
با تمام مورد هزار گونه معارف سیکود و در کلی که قانون
سین حکام است با سینه سینه مردم خلی آسان است
و انکی و قلیت میل حکام و حسدی از راه حکومت
با این حال کدام و قلیت معارف کمالا زود از جان
تعلیقات حکام را معارف با داده اخبارات سینه
بر حال دولت معارف دارند و سیکود معارف کی راضی
در ملک قانون جاری شود و سینه معارف آید و شود
عیار یکی از آنها بیای زیادتی را گذارد دست قانون
بر دهن زده شود
این ایام که سینه معارف در طرفه و آرزوی است ایران
حسد است و شخص سلطنت و سینه معارف و در حال

دولت گرفته تا ادنی رحمت و مرشد و ترقیات کللی
 و هر روز در ترقی تازه از ایران کوشش برسد
 اگر ذات مقدس ملوکانه شخص مصلحت مصلحت مصلحت
 اسبلی قانون برآیند ایران بهشت تمام دنیا خوانده
 گردید و سموریتش ایران ده سال دو گونه خواهد شد
 تمام سبلی ایران از ظلم حکام و ظلم حکام از عدم قان
 البتة علمای ملامت کولجا و پناه ملت از هیچ ایرادی بر
 اجرای قانون اساسی اصول ملک داری و نظام مینت
 پرور است نشود و داشت چه که قانون منع از ظلم
 ظلام است ازین دور فایده در نقطه آسوده خواهند
 بود قانونیکه خلاف شریعت نباشد و کافرا خط حقوق
 مسلمانان را بنماید آید شش لازم است که به پیش
 حفظ حقوق مسلمانان لازم و وظیفه محکم است حکام
 اسبلی اموریکه المال را ایران بدست حکام مبار
 مسلمان هیچ یک آنها سوا حق با شرع نیست و هر قان
 و جا بره است پس از اجرای قانون یقیناً ظلم دفع
 خواهد شد و وضع ظلم التدریجی مطلق است
(مقولله کللی از دانشمندان)
 یکی از دانشمندان مملکت تشبیه جسم انسان کرده
 میگوید چنانچه حیات و نشو و نما و ترقیات جسم سوط
 بروح حیوانی و انسانی است همان قسم سمورتیت
 و ابادی استقامت مملکت مربوط بروح حیوانی او که
 ملکه افرا روح انسانی می که راه آهن است بیابان
 و بدل عمل این دو همانا قانون است مینکه ملکه
 در ملکی شیده شود بواسطه اجزایات ملکه انسانی آن
 مملکت از هزار گونه آسیب علمی خارجی مظلومانه
 و چون راه آهن در ملکی ساری گردد به و حق میگوید
 ادا و خارج آن مملکت و باری میگوید و بیج میند
 مانع ترقی آبادی نیست باشد و قانون حکم بدن
 را داد و بوسی اگر روح حیوانی و انسانی در حال
 قوت و نیرو مندی باشد بدن را تحمل با در سکه لا بد
 نبود و بدینجهان قسمت اگر قانون در ملکی جاری باشد
 و لو آنکه هرگونه اسباب ترقی و فراهم و روح حیوانی
 و انسانی و کمال باشد و وسیله است اسباب میند
 و اندام آن مملکت فراهم خواهد آمد چه در مملکت کمال

نباشد لا بد از ظلم و تعدی و اجاف زیاد املی آن
 مملکت خواهد رسید و چون ظلم و تعدی و اجاف باشد
 بگذرد لا بد از مملکت ضعیف را عایا تا به خود میگرد
(مکتوب از کرمان)
 جناب میر محترم صل اللین بلیل آیه مبارکه که در پس
 لسان الاممسی انباید روسای روزمانی و در مملکت
 ملت منظره ملا که رحمت است که از جانب حق تعالی
 شوند و اما را از مالک برجات سینه و نیز باید مصلحت
 امیدوار بود و با توکل زانوی اشتربنده ولی از
 زنی راه فیض حضرت باری از غیب برسد بوجود
 و از وجود میر سینه شهید
 بسم الله امر و زاین فیض علمی از جانب قادر تعالی
 بوجود رسیده سینی ثروت پرستی از هر گوشه از
 فرودستان کمال ای و اثر و تا کوشش برسد
 بهنگه گذشته عرض شد که یک جهت خرابی میند
 مخصوصاً با فتنه گریهای ایران همان عا و در مملکت
 ولی عهده ترقی و متزل و در دست بر میان است
 مسلم است در اول ظاهر که صنعت و با این قسم
 ترقی داده و میدهد علت برکش جمع آبی
 جمعیت و علم و آرایش از امور معاش میند
 و ازین روی میگویم که صنعت فارجه بدو ترقی
 کرده که میر القبول کرده است
 درین وقت که مشغول بکارش این مکتوب بودم
 سه نفر با یک طاقد آثاری از راه میگذشتند
 ایشان را طلب کرده آثاری آنها اگر گرفته دیم
 عجب جنس خوبیت قطعا اگر مال فرنگیان بود و چون
 یک تومان برآدم کم پولی میدید تمام طاقد را چنان
 تومان میداد ولی با یک نفر دلال و چهار هزار تا
 باید تمام روز بگذشتند را هم بگذرد در بازار باشد
 یعنی که خود آنها تمام کرده اند بفروش برسد
 و تا وقتی بگذشتند مایه کار بکنند ندارند با یک کار
 باشد یا چهار بهر قسمی که شتر می میداشت بگذشتند
 در یکی از جنبهای جبل اللین دیدم که امیرالهدوی
 در دکان اهورت فروشی که سرمایه خود را در راه
 وطن داده بود رفت اسباب ترقی او یعنی مکتوب

اهوت ریشه از برکت همان توفیق یک مفسر تجارنی
 بسیار بزرگی شده است ایران ما جسدا
 در ایران اگر این حکم روح و آتش که هر صنعت را که
 ترقی دهد و اعتبارش حق و دست همه مردم ایران در صد
 ترقی صناعت اعدا شد و اختراعات بیرون میآید
 ولی چه فایده ایران قلب رزی و دولت سستی را که
 چیز ترجیح میدهد همان کجاست که کردن آموخوردن
 شایسته است بر میان در خواب غفلت اند که ریشه
 ایمان را از قلب بجا بیا کند هر صاحب کسب
 و صاحبان در قلبش جای گرفته که اگر من امروز
 کاری را در رواج بهم در خدمت یکشم هیچ کم صنعتی را ترقی
 دهم کند که نفع او ظاهر شده شخصی برخاسته یکشنبه
 بسکوت میزد و آن کار و صنعت را از او بگیرد صدا
 اینگونه نظر در دست بود خود این است که ما
 باید در هر چیز محتاج با جانب ششم صد با مثال در دست
 دارم اگر گویم و شش من میشود
 باری شدت که درین امین و ناموس و وقت مملکت
 این قسم از میان رفته تقاضا چاره دارند انصاف از مال
 خود میترسند که اینکه رسائی از همین در در بیان است
 اول در بکارش هر چه در مساقی است
 در دکان خلاف که همسایه ما است نفس کبار آرد و چون
 البته جباه تعارض الی یک ساعت از ظهر گذشته نشسته
 که شاید یکن بریزد آرد و صد صصها بگیرد و اگر گویم
 باشد نمی دانم چه این آدم که آدمی که آدهای فخر
 می آید و اگر آدمی که نمیشد آرد و نام عمل است آنها
 همه قیام من چه است او و نصف کرمان برک و شاه
 چند ماکولی خورند و حال آنکه اعضای میباشند این قیام
 نیکم که فرد این سخن ما هم سزایت خواهد کرد و بسیار
 که اینک با نه نکالی داشته اند او و نصف من
 شش یا بسیار او که اولاد آنها بقدر رسیده اند و
 نباید شش من چه نباید گفت آید که از آدهای خود
 اولادشان به اعمال بشغول شده اند میر اثرش است
 عمل بد است او شرح است آخرش سستی ترقی
 بد است ضعف نهایی کرمان از پیرشانی
 چند بار بی هم سعه بقدری که در کرمان مستند

شاید در بلاد آزاد نباشد و قرآن شش بار از هر
 یک تومان در دس سید هندی بیچاره غم می شنود
 کسی نیست بگریزی منجیبیاده بشهد فرامیکنند
 اطفال در کوه و باران یکس واقعه اندیک روز
 از باران میگشتم و نغز را دیدم که غلغله در راه کذا
 از بارین بسیل پول کفن و دفن جمع میانید معلوم
 این بچک فدائی کرده یا بجمع پول کفن و دفن که باید
 فحاشی آن و در فقهیم بدین معنی آن بگذرد اورا
 مشاده و نغز جوان فرح لقا ییری یا ناخوشی یا نیم حربه
 در زمین گذارده میگردد باید اندام آن دو نفر
 بگذرد و نه عمل آن بدین معنی درود گذشته است اگر این
 دو نفر جوان در عمل زراعت و صنعت مشغول بودند
 و در فتنش آن بی زنیلی را فحاشی میدادند حال
 کار نیست خودشان از توی زنیلی فحاشی میخوانند
 این همه آوهایی بیکار که حافظ میشود در اصطلاح آن
 که در بیان آورده زبان خود کرده اند من چه میتوانم کنم
 - موجود عالم که بسیار است من و مقابل نفس ایران
 کارشان سید هم کار فرما داریم و یا آنکه کار فرمایان ما
 علم کار و فانی ندارند میگویند بمن چه من میتوانم
 کرد تمام نهی الهی بر این کشتن است فانی میارنجیل
 تمام آن نعمات را سطل نهاده است کران که در دنیا
 افتد و بدینترین مردمان کرده زمین سه این
 آنی است که کار فرما ندارد کار فرمایستی مری کاروان
 مشوا اجار جبل المیتین کار با نیکه دولت عاجز است
 از رعیت متوقع است حکومت کران و عاوه و کلا
 در کرمان ندارد که بدرد خودش بجز در جبل المیتین
 نیکت ملت راه آهن بسیارند مشوا و قتی حکومت
 میخواند به جهت ضروریات خود هم از دولت فکند
 کند باید اوقیای بیچارگان تحمل شوند الهی لدمام
 ما انصاف دار و شتر چندی را فرستادند گندم بیارند
 کرایه هم خوب دادند ولی چون راه را بگذرند نشناختند
 علف به خورد یک شتر حرد و دو شتر بیچاره
 حالا اگر قیمت شتر عاوه را از شتر داری بگیرند میشود
 در حال آنکه قصوری بر او وارد نیست در ملک خود
 بچگونگی آن بر داری خودتان نیست آسوده کی نوری

باقی در بار
مسکالمه سیاح ایرانی باشخصی
روز سی و دوم عنوان هشتم

پسندی - آقا صاحب بیروز خوب طلبک را
 پرازد چو من هم زود ملققت شدم و ساکت اندم
 ایرانی - فدای شما چه حرف را نباید آدم خود
 و شهنشده زبان سر بر میزد چه بر باد ما باید که
 زندگی کنیم
 هستی - آقا صاحب ملک من یک سببی می پرستم
 از جویش طرفه نرسید و مراد حقیقت حال را بیان
 کنید و من به یکدیگر با جدی اظهار طلب را نه تمام
 ایرانی - بفرمایید آقا الله حقیقت مطلب آنچه
 میدانم عرض خواهم کرد
 پسندی - شما سید که فرزان فرمائی همه سببها
 خود سلطنت است گذشته بر سلطنت و حکمرانی
 سید ملیون نفوس بر راه میت و چهار رویه
 مشا بره و مو اجا دست علا و بر بکران و حجاز
 و حوراک تمام لارین اداره حکومتی این میت
 و چهار رویه حرف بیخنده خاص شینت و قار
 و طلت و نیز در نظر عام خاص سلوک وین از فرزان
 فرمائی پسند نیز سینه های بزرگ فانی میگردد
 لار و لندون وزیر جنگ شد و پنج سال هم میت
 حکومت فرما فرمائی هست است سدا لک همیشه در
 میشود و کیکال قبل از ختم میعاد حکومت بند حال
 انگلستان می بینماید سبب میتس حکومت بند
 بسیاری را نامزد میکنند از اوضاع میشند مشوا
 اسالین نقد حکومت بند نافذ شد چه استعفا
 گفتند و استه لار و کرزن قبول نمود البتاز
 و خط انگلستان روز فرود آمدن در مخصوص ایک
 سال میصرف معلوم فرموده اید حکومتی که نامرین
 شود سبب کالی بجهت بیام است و سال نقد و

حکومت در فتن لمبذن است سببی اگر اهل حکومت
 بند نباشد بعد از سه سال میتوانند رخصت اعتراف
 حاصل نماید و بسیاری از حکام بند بعد از سه سال رخصت
 رفتن لمبذن گرفتند و بدینسان لار و دفن فرمودند
 کردند بر عکس حکومتهای ایران را می نیم مواجبه باز
 و باید پیشکش هم میدادند از یکسال بیشتر هم حکومت آنها
 نیست بماند و در یکسال پنج شش حکم بدیل شده
 بعد از حکومت هم در تقاضای گرسنگی بجز نیستی بکار
 و بسیاری شده که سبب زیاد یکبار حکومت هم در
 و شنیده ام وقتی خبر عمل حکام مید شد مثل آن است که
 با تقاضا رسیده با غوغای حکومتهای ایران هم معلوم است
 سدا لک وقتی که یک حکومت عالی باشد و در هر
 آید سدا خرد را او میشود مردمان درین امر متوجه
 اورا نمیدانند خواهش دارم بدون رود و اسب سبب
 علت این امر را بیان فرمایند تا مزید با طبع بند
 ایرانی - جناب عالی مطلبی را بیان نموده اند که اگر
 نه بجز ضامن انصاف کرده ام و اگر جواب دهم وقت
 بر بالاست ولی بحدی که سبب خود را بدیدگان گذار
 کان کجی را هزار میگوید عرض کنم بشرط آنکه او کینه
 بیرون برود نباید احدی ملققت شود و درین چند
 نقصان است
 اول به نامی خود وقت خوشتر است بیخبر کنین از این خبر
 دوم بجهتین بزرگان از حرف حق چنانچه دستور است
 سوم چون من میخواهم محبت و ایاریان بروم ممکن است
 مثل میرزا ابوز انزلی و قانع کار اخبارات از آن
 حکومت شیت اسباب فراهم آورند و بهت است
 بکنند
 پسندی - بزرگ عزیز خودتان ممکن نیست این خبر
 گوش آن گوش برسد این آسوده خاطر باشید که
 دوست شما وقت شکار دولت شما هستم
 ایرانی - حق واقع بود عدم تربیت و علم افغان تمام
 ایرانیان بدون استثنا فاشه خود پسند خود غرضت
 طلب لیاقت بی دیانتی ناموس شده ایم چون
 این سبب عویصیت پیدا کرده و از اعلی و ادالی بیک
 ویدر راه میرود و نشناختن از قلب تمام ایرانیان

(تاریخ المان)

فلسفه گفتند از یکی از اخبارات فی مقبره المان است
 میسزیه که گفته است و میانه دولتین المان و عثمانی
 است شده که در برای صحنی اخبارات تجارتی دولت
 المان متوجه دولت عثمانی در حفظ و نگاهداری آسیای کوچک
 باشد و نیز بجهت جمع آوری آسایش و آسای کومک
 المان اجازه خواهد یافت در ساختن صحنی راه باقی این
 که هم نقطه تجارت هم مرکز جنگ باشد و پیرسبرک و
 پاریس و انگلستان این خبر و لوله انداخته صحنی از بعضین
 دول فرنگ میگویند که اگر این مسئله قرین حصول باشد
 دولت عثمانی همیشه بافته است تا بمیرد و لوله
 در باب اندام دولت عثمانی بهای و منفور باشد و عثمانی
 دولت عثمانی در سایه تائید و امداد المان قوی بماند
 خواهد یافت اگر سعاده سوق عسکری میان المان و
 عثمانی شود و لوله در تمام اروپا و آسیا خواهد افتاد و
 غالب است که سعاده سوق عسکری میان المان و عثمانی
 شده باشد

سابق نوشته بودیم که در روز المان صحنی اخبارات
 ساختن راه آهن را از دولت ملکیه عثمانی حاصل کرده اند
 از اخبارات عربی معلوم میشود این خبر یکدیگر در قرین بود
 است و نیز از اخبار المان بشدت یکی از اخبار آنرا
 امتیاز ساختن راه آهن از طرف المان تمامش - و از
 تا قلم - و از قلم الی هیئت و از هیئت الی اسکندریه
 گرفته اند و مزارق می یکی از هر که بزرگ این راه آهن
 خواهد بود که شعبه از آن بکویت عبور و شعبه به بغداد و
 بکربلا و نجف کشیده خواهد بود و نیز شعبه از آن به سناختن
 و هم خواهد رسید میگویند کسانی موصوف را در که دارد
 که شعبه خانیقین را به صحنی از بغداد ایران نیز مقصود نماید اگر
 دولت ملکیه ایران اختیار دهد این مسوالات به سناختن
 است که مصلحت معلوم نیست البته این را تب و آل
 چنانچه باطنی دولتین المان و عثمانی دولت روس خوش
 است که اگر دولت عثمانی بجزی بطلب آید و المان
 آورده بماند در دفع نواقص کلکی کرده و برای حسیه خود را
 کامل کند مسلماً مفاص خود را از روسیه بخواهد گرفت اما

خود عثمانی و نیز دولت فرانسه و انگلیس و روسیه
 این چهار ابراهیل خود نیکو نمیدانند در سر کار خود و
 ملاحظه میکنند پس به پیش این چهار دارند

دول فرنگ و چین و ایران و عثمانی

از زنده سیستون فرنگ چنان معلوم میشود که در
 بسیم چین مکن قریب قطعه قطعه خواهد شد یکی از سیستون
 روس اظهار داشته که دولت روس چین بخواهد
 صلح عمومی است بایه مواضع صلح را هم از میان بردارد
 مواضع صلح امروزه اولاً چین بعد روم سوم ایران
 است و الماروم امروزه قادر بر حفظ امنیت و نظارت
 شده و در هر امر که دول فرنگ بخواهد نماید لابد
 اطاعت خواهد کرد و اسپریش هم در قوه او است
 ایران اگر چه بواسطه عدم تسلیم قادر بر حفظ امنیت خود
 و اطاعتات ملکی نمی باشد ولی در اثر روس صحنی
 تابع دولت روس است و روس بخواهد روس بگوید تسلیم صرف
 است چنانکه امنیت عمومی و موضوع رقابت دول
 فرنگ واقع شده و مکن غالب است که بر سر او
 مکن لغت و جنگ بزرگ دول فرنگ بایز کشد
 چین است چین تابع همه دول و در اثر شرمیکه از
 دول نیست پس بهتر آن است که دول فرنگ برادر
 نشسته بدون جنگ جویش چین را در میان خود را
 تقسیم نموده این یک خوف را هم از قلوب بخواهد
 صلح صلح بردارد اخبارات المان و فرانسه چین
 رای سهیلای دارند انگلیس سابق برین رضا تقسیم
 نمیداد از قسطنطنیه ظاهر میشود که در باطن روسی از
 راضی کرده است از قرائن خارج و در جمله ظاهر است
 که دول مکن فرنگی قسطنطنیه و اسانیت دولت
 چین را باقی نخواهند گذارد بعد از این بر سر ایران
 روم چه بسیارند بایه ظاهر چند سال دیگر زیاد
 نیست که ایران در روم نومی کوشش نماید که از
 شده این فرنگ برهنه و زین بر از چند سال بعد
 و روم چین آتش بکشد و اتفاقاً فریاد مای چین
 الا لانی خوبی است بجهت آسای وطن کبکبای
 میداری بخواه نشان میکند

(حکمت وطن)

مازل ایران خیال میکنم که حسب علم است که اگر کسی میخواهد
 مکن را بر آنها طاهر دارد و سواد و بکشد و همیشه کور کورانه
 در وادی جیب قدم زنده و جمع و صریح زبان کنند که
 را کجا و خلیفه در بنیاد بمرجه عالم در مسلک بر خطایم
 و این مسکات بهم نامش از چهلست کجای حق وطن این است
 بعضی وطن است نه بعضی مکن - حسب علم آن است که
 لغت را از خواب بیدار کنند راه و چاه را به دولت بیا
 بال مابین قلم لسان رفع قاض ملک را نماید لغت
 عالم با متیاج و قادر در رفع آن کنند حسب علم این است
 که دست تانما کی یکی از رؤسای لغت فارسیه است که در
 شارالیه و دیلمون و سیصد هزار روستا و دهه و هفت نموده بجهت
 ساختن یک دارالعلوم در یونورستی که آنجا بجهت
 و تسلیم آن وارد و درین دارالعلوم درس دهند
 و علم و فضل و مایه برین برین را از المان فرانسه انگلیس
 نوکر بنیاد بجهت تسلیم درین دارالعلوم بیاوند
 احیاناً طلبه تحصیل و تحصیل علی را بخواهد که این است
 دارالعلوم میباشند از مکن این دارالعلوم بهشت
 اورا متعلق شده به پاریس المان یا انگلیس بنیاد
 علم و فن را تحصیل کرده آسای وطن عزیز خود را بخواهد
 نماید یکی از اعضای انجمنیه این دارالعلوم است
 است معنی الیه سن با بیع نمودن آرد و باره لوله
 این دارالعلوم در جلا و حساب و مالک معنی و شمال
 بهندگوش کرده درین خصوص خلق بیست و برای بکشد
 بسیار این دارالعلوم را بنویسد که گفته اند دیلمون برون
 ضرورت دارد دارالهام ریاست مسعود و عده دادگاه
 که اگر این دارالعلوم در بنجال ساخته شود و ششصد هزار
 اعانه خواهد کرد دست تانما اظهار داشته که هر مقامی را که
 مجلس صحت که از نادر عدلی خواهد بود چه صحت و امانت
 بوطن است این است معنی حسب علم است تانما کی اتفاق
 بهند است اگر نام معنی وطن بدایم از دست تانما که برادر
 تحسین میکنم برای فایده رعیت و دانش فارسیان
 این مراتب است ملت عالی هرگز نیستند او به دولت
 و تانما به ملک و لغت نماید و اگر بخواند بهم بکشد خواهد
 رفت از روش را درست کند چشمش را کور خواهد کرد و

از روی تلفظ این تعلیم یافتگان ممکن است در این باره یک دوایم از یاد خود درین زمینه عرض داشته باشند که اگر گوش تو مال اگر با من

(اعانه فلک زنگ گریه)

بهر حال محاسن و محرم ما روزگار در جهان حقیقت اول
دیده که در اعانه که سبب فلک زنگ گریه است
اسمبول جمع شده و اغلب از خاصیت آن عیالی قیامی
بود و چون ده بیست و هفتاد هزاره سینه و بیخ
تو در شمع بود است صد فروش صاع یک لیره عثمانی
(اسیت عمومی)

بهر چه محاسن اخبار پس از آسیا چهار دولت که در
مجلس اسیت عمومی نموده اند ایران را چون سیاه
دولت شمال سینه و دول اروپا محسوب است از آسیا
و کالی این چهار دولت شریک مجلس است خواهند
بود سابق برین نوشته ام که ما تا قبل از وقت بالفت
باشم دولتی قانون را محسوس حساب قانون محسوس
و نیز بعضی شرایط پیش خواهد شد که قبول است آن نهاد
آینده ما خواهد بود بعضی از فواید ممکن درین وقت
اسیت صلی عمومی جنگ عمومی افتاده و مخلوق است
که بران جنگ بزرگی پس از مجلس باید که هر صورت
برالازم است که شغری با است و لیکه دانی که اگر
باید همای دول بزرگ مطلع باشد درین مجلس وکیل کویت
فشار داده بنده ستم غالب است و چون بزرگ میگوید که
این مجلس نیست مریس مقصود خود را نمی خواهد کرد
و این سلسله را از پولنیک با می بزرگ روس پیدا کرد

مقاله مخصوصه قابل توجه مسلمانان از نهمه بیستم

از مقالات و سخنانی که سابقه معلوم است که اگر من باب
تجدیدات کلی و ترقیات علمی و دولتی دول اسلام چون
دول نظریه پیش رفت کرده اند تصور می بر سلسله است
سبب جهان است که ذکر کردیم و اگر در حقیقت کسی الزام
اسکیان چه در از انصاف بیرون از وقت سخن را
یافته اند از امور سیاسی نبوده درین نوشته نیست

کردند و چون سالف ملت و دولت اسلام بود آنرا
فعلت شد و از آن جهت است که امروزه
دولت اسلام را باید نسبت کامله که استاده است پس
یکی از مسلمانان که سبب از آن خوابهای گران از
فعلت خود آمده ملت راه نمایی میکند باید چهار
طرف معاملات را ملاحظه کند که آیا ملت قابل پیروی
این است یا نه در بسیاری از اوقات قوی و ضعیف
بوده است که ملت با خوبی راه و چاه را دانسته ولی
استوار بود اسطه عدم علم و استطاعت و آسودگی قادر
بر آنست که امور را برایشانند و باز مجبور می شویم که حرف
شماره یا شرکت خود را از اخباریان فشار دهیم تا بنیم
پای خود را در دو راه ترقی بگذاریم

پس از این معنانات باز میایم در طلب خود
که ساختن راه آهن باشد همه گرامی و اکیل است
از چند جهت برادر اسلامی خود را دعوت بنام خود
ساختن راه آهن من کویت سعید میماند و غالباً
تمام ارباب ملل صد برای اخبار موصوف اتفاق
کرده اند اخبارات عربی و ترکی زور یافته اخباریک
خیل جهانی کرده و میکنند و شک نیست که بهتر از
ازین اسباب ترقی بجهت مسلمانان بکند نه تنها پیشه
به دشواری که چنانی معانی چند است که اول
اتحاد استقامت است و اتحاد است و گذشته برین مباحث
مالی این شرکت هم از حد تصور بیرون است که
درین راه آهن اسباب آسای و تیره قله با و پلایان
است علاوه برین تا وقتی در بلاد اسلامی سلسله
آمده و در روابط کلی اتحاد متصل شود ترقی نوع
اسکیان و شوار است و اگر میانه دول اسلامی
در حفظ استقلال آینه خود معاهده سوق حکمی
شود این زمان بدون سپهر و فتاح شوار و
اتصال مالک اسلامی که میانی آنها نهایت دشوار
بلکه قریب است علاوه برین و قوی این قله
اتحاد شرکت بر برستی دولت عثمانی میانه است
بسته شود هیچ یک از مسلمانان نشین در ایمنان
می آید چون سرمایه نخواهد بود اگر این عقد است که
میایم تمام اسکیان بسته شود و مخصوص مقوم و اعدای

یک دولت نباشد در سال سهولت سرمایه با سفرین
راه آهن همیای خواهد شد نکته در نیست که آیا مسلمانان
صلاحیت و شرکت تحصیل اتمام این راه دارند یا نه این
اگر محل شید نیست که تاکنون مسلمانان با آن در نیست
که در دست سینه بیرون لیره جمع نمایند ولی اگر چه
نمودن این سرمایه نزد بهت مسلمانان چندان دشوار
ولی که با ملت سرمایه زندگی خود را با بخشیدند از سرمایه
که مسلمانان درین راه به اندام حاصل است نفع است
و صنعت مثل اروپایان پس در خصوصت که با است و
مامل مرفور را بخشند بدون وثوق کامل بنفع آیند
میاید و علی که تاکنون این قسم کار با آسانست و بنفع
و نفعان این کار با را اشغالا حفظ کرده و سرگرم فراهم
آوری اینگونه سرمایه با نه به عقل در دست نیاید اگر چه
مسلمانان پیش آمده و یک در باره خواب میدارند
حسد لک شکست که از روی تعلیم اروپایان با
شود ای سطحی اقدام در سگوند امور پیشه باید باشد
بکشند و آنه وقت عمری را درین کار بگذرانند و فرسودند
این امر هم همیشه چون با مسلمانان علم و تجربه درین
کار با ایم لا به اینجام این عمل مستجاب با اینست
کرده و باید دانایان این سخن را از اجابتی فرسودند
بر قاضی که اجابتی با است سلسله که هزاران شکست
که این وقت و تصور ما هم نیست بجهت ما فراهم خواهند
چون این راه و از ای تجار است اهمیت سیاسی است
مکن نیست که نظریان بگذارند ما است و با اینم لا به
موانع پیش آورده شکست بزرگ جلو ما خواهند کرد
و با چاره ذکر داده خواهیم شد و ازین مرفورست
درین و ااتب حاصل نخواهیم که در چون مسلف
اجابت و شوار است که از ایشان نوع درست کار
گیریم و آنها بطریق صداقت و با نفع خود عمل کنند
که پس درین صورت مشکل است چنانچه
ما با به نمایم که در جنبه و کلی امور است و یک
اجابت کوتاه باشد این امر بطریق که در این امر
شود اگر اقدام نمایم حاصل است که میانی حاصل کنیم
(باقی آرد)

(اخبارات متفرقه)

پرنس همی برادر امپراطور آلمان را اراده برین
 کرده و قدامت زمین سیام را هم بیاحتیاطی
 بواسطه اختلاف سیاسی سیام و فرانس متوقف نمود
 وزیر کسبی دولت انگلیس را اراده برین است
 ادوی های وی را بکتابی از پیش قبضه نموده اول
 در دو کمره کسبی قرار دهد
 یک طبلون هشتصد هزار روپه را از راه اعانه بیست و هفت
 دارالمعلمون خدمت جمع شده
 و الا حضرت قدس بوبات خود سنگ اول خیار در مثل
 بانک اراد بر صحنه نهاده اند
 استوار نگارشات درین چند ماه اراده بیکرشی
 بطرف هندوی کرده انی نیست اگر همین حال باقی ماند
 البته پس از چند ماه دیگر شکر کشی خواهد شد
 وزارت جدید اسپانیا بدین قرار متعین شده است
 سلول و وزیر اعظم و وزیر خارجه و جنرال پول و
 وزیر جنگ - دیز کوا کوا بار و وزیر بحری
 پرنس آف ولز و لیدر انگلستان ریاست کسبی در
 شاهی را قبول کرده
 در سخاوت بیستاری چین و ژاپون اختلاف فوفا
 و در نیست کابجای نادرکی بکش
 لار و چارس بفرود که از جانب تبار انگلستان بجهت
 سنجاری چین رفته بود تحقیق نموده معادرت کرده است
 سیکوینه نیکلیت پادشاه پیش خوف دار و کوی انگلیس
 و ایتالیا استوق شده و بر او حمل نمایند ازین رو در
 سرقه می زنی را شاعر کرده و در سرفشا و وزیر کاما
 مستعد آید فرانسه بود
 در مملویم چهار قشون سووانی اضافه کرده آنها
 شق سید هند و در کمال شوق بود و نهایتاً می آید
 چون رعایات چین را بجهت اجاب خاطر قدر داده
 ازین راه اهل انگلستان اظهار ناراضی ننمایند اگر
 امام و دل فرنگ اعتبار یافتن یک قطعه راه آهن
 نمایند تا یازیکه دولت انگلیس در سافتن راه آهن
 کل کرده بی لطف خواهد
 تملک راه آهن کپ کل
 و قاهره

سابق نوشته بودیم که مستر و در کوی زنده بود که
 کانونی الی قاهره تملک راه آهن ساخته شود و
 ازین تملک راه و خط راه آهن از ممالک آلمان بکنده
 دولت آلمان اجاره میداد و اینکه مستر و وزیر برکن
 رفت ممالک این طرف را داشته و در وقت از دولت
 آلمان نمود و تمویل آلمان نیز شرکت درین کپانی را
 قبول نمود چون این سهم تملک راه خط راه آهن
 باید از استمرات در بیقای طایفه بکنده مستر و در حال
 بجز بیک پای تحت طایفه است از اخبار
 جدید معلوم شد که دولت طایفه قبول کرده اول
 تملک راه را بکشید از آن به راه آهن خواهند ساخت
 کشید این سهم تملک راه را آهن بگرفت بیوات
 در میان آنست ممالکی نخواهد ماند و برین آید و
 برین ممالک یک جوده خواهد تجارت و کمک
 میدادند که در زراعت و ترغیب خواهد نمود و در این
 افریقا هم تمدن و حال خواهد شد راه آهن و تملک راه
 نوشتیم اسراسر تمام بریقات مصر است و در این
 و در سرج قومی نالی در بریقات بپوشیده است
 که با برین مملکت معاهده آهن را در اختیار
 بعصرت بافایات کند و اما از اخبار غلط
 (سودان)
 اخبارات عرب از وقایع مکاران خود میسرند
 که در روز سهوان قحلی شدن میباشد که از پیش
 ما سیریم که چنانچه از دست نیست ولی این
 ارتجاع ممالک است که روزی جمعی از کسبی
 تلف میزند و اینها همه مرده اند هیچ قوم
 سختمی باین پیر و دی دیده نشده و نیست
 این حالت آنها را مجبور کند با داده آید
 منتظر اند که آوری بلند شود و در اوج
 اکنون تجاوز از حبه هزار و در هندوی
 شده مطمئن است که تا دو سه بعد
 و ماسیان همی تجاوز از یکصد بار شده بعضی
 اخبارات عربی را می میدهند که ساسیاست
 ربال ترک و ما می شود و این معنی نمودن از
 دولت انگلیس است که اگر از این شکر کل
 نموده است

فیمر سبب طبع و امره العاص
 المصطفا حیدر آبا و در کسبی
 اقامت قساح و طبع و اصل آن اگر تملک
 و اکنون کسبی طبع و در این شایع خواهد
 ضایع از تمامی کسبی که اکنون جایش
 دا اقتضا بر اهلان قسبه سوره و
 است که در ای سبک حیدر آبا و در
 که کسبی طبع و اصل آن اگر تملک
 با تحت تمام حیدر آبا و در کسبی
 سبک حیدر آبا و در کسبی طبع و اصل آن
 و سبک انگلیسی است
 در عمل الیوم و المیلاد از این سبک
 او که شایع در بازار قسبه کسبی
 و عبا حیدر آبا و در کسبی طبع و اصل آن
 و در کسبی طبع و اصل آن اگر تملک
 تغییر یافته هزار تری از این سبک
 است که کسبی طبع و اصل آن اگر تملک
 به آن که کسبی طبع و اصل آن اگر تملک
 حدیث را بعضی شایع است که کسبی
 هشتاد و سبک انگلیسی است
 در اثناء ایام زیارت خیر الام که
 تحصیل سبک انگلیسی است که کسبی
 میدادند که کسبی طبع و اصل آن اگر تملک
 (۷۰) افراسی قسبی طبع و اصل آن اگر تملک
 میدادند که کسبی طبع و اصل آن اگر تملک
 در اثناء ایام زیارت خیر الام که
 تحصیل سبک انگلیسی است که کسبی
 میدادند که کسبی طبع و اصل آن اگر تملک
 (۷۰) افراسی قسبی طبع و اصل آن اگر تملک
 میدادند که کسبی طبع و اصل آن اگر تملک